

مجله‌ی شعرپژوهی (بوستان ادب) دانشگاه شیراز، مقاله‌ی علمی-پژوهشی

سال سیزدهم، شماره‌ی چهارم، زمستان ۱۴۰۰، پیاپی ۵۰، صص ۱۷۳-۱۹۴

DOI: 10.22099/JBA.2021.38847.3905

ضرورت تصحیح مجدد دیوان فغانی شیرازی

فاطمه طوبایی*

محمدحسین حبیب‌آگهی**

چکیده

فغانی شیرازی مشهور به «حافظ کوچک» شاعر نام‌آور قرن نهم و از غزل‌سرایان سرآمد این عصر محسوب می‌شود. دیوان اشعار او را لال‌ماتهر دهلوی در شبه قاره و احمد سهیلی خوانساری در ایران تصحیح و چاپ کرده‌اند؛ اما پس از آن تصحیح، تاکنون بیش از بیست نسخه‌ی دست‌نویس از دیوان بابافغانی پیدا شده که برخی از آن‌ها از نظر قدمت و صحت معتبرتر از نسخه‌های مورد استفاده‌ی مصححان پیشین است. با وجود شناسایی این نسخه‌ها از این دیوان تاکنون برای تصحیح مجدد غزل‌ها یا ابیات این دیوان، گامی پیش نهاده نشده است. در این پژوهش کاستی‌های موجود در متن‌های تصحیح‌شده توسط لال‌ماتهر دهلوی و سهیلی خوانساری بازشناسی شده‌اند. مهم‌ترین این کاستی‌ها

* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی (گرایش ادبیات عرفانی) دانشگاه شیراز (نویسنده‌ی مسئول)

toobaieshima@yahoo.com

** دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی (گرایش ادبیات عرفانی) دانشگاه شیراز

mohammadhoseynhabibagahi@gmail.com

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۹/۱۱/۱۸

تاریخ دریافت مقاله: ۹۹/۸/۴

*** این مقاله برگرفته از پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد نویسندگان، با عنوان تصحیح انتقادی دویست غزل از فغانی شیرازی است. از استاد ارجمند جناب آقای دکتر کاووس حسن‌لی که پایان‌نامه‌ها با راهنمایی ایشان سامان یافت و خواستند این مقاله بدون نام ایشان منتشر شود، سپاسگزار هستیم.

عبارت‌اند از: گزینش‌ها و خوانش‌های نادرست، موجودنبودن برخی غزل‌ها و ابیات، اشکال در وزن و قافیه، اغلاط املائی و خطاهای چاپی. پژوهشگران در این مقاله کوشیده‌اند ضمن نقد و بررسی روش تصحیح مصححان پیشین و ارائه‌ی نمونه‌هایی از اشکال‌های موجود، لزوم تصحیح دوباره‌ی دیوان فغانی خوانساری را تبیین کنند.

واژه‌های کلیدی: تصحیح دیوان بابافغانی، سهیلی خوانساری، فغانی شیرازی، لال‌ماتهر دهلوی.

۱. مقدمه

فغانی شیرازی مشهور به حافظ کوچک یکی از شاعران نام‌آور قرن نهم بوده است و در غزل‌سرایی سرآمد شاعران عهد خود شمرده می‌شود. در ابتدای جوانی همراه پدر و برادرش به شغل کاردگری مشغول بود و به همین سبب سکاکی تخلص می‌کرد؛ اما چندی بعد فغانی را برای تخلص شعری خود برگزید. از دوره‌ی آغازین زندگانی او آگاهی چندانی در دست نیست. وی پس از سی‌سالگی عازم خراسان شد و مدتی در هرات به‌سربرد و در این سفر جامی و چند شاعر دیگر را ملاقات کرد (رک. صفا، ۱۳۶۶، ج ۴: ۴۱۱) فغانی پس از سفر هرات به‌سوی آذربایجان رفت و به دربار سلطان یعقوب آق‌قویونلو راه یافت. «آن زمان او را بابای شعرا می‌گفتند» (شوشتری، ۱۳۷۶: ۶۸۹). آشنفتگی اوضاع آذربایجان در پایان دوره‌ی آق‌قویونلو او را راهی شیراز کرد تا آنکه مقارن قیام اسماعیل صفوی بار دیگر عازم خراسان و چندی در ابیورد و سپس مشهد مقیم شد و سرانجام به سال ۹۲۲ یا ۹۲۵ در آن شهر دیده بر جهان فروبست. از گورجای او اثری نمانده است (رک. صفا، ۱۳۶۶، ج ۴: ۴۱۳). اوحدی در باب نحوه‌ی جمع‌آوری دیوان فغانی نوشته است: «اما چون بابا از خراسان به ملازمت سلطان یعقوب افتاد، آنجا ترقیات عظیم نمود و اعتبار و وقعی در نظرها به هم رسانید و دیوانی که خود مرتب نموده تدوین داده بود، در یکی از جنگ‌ها مع اسبابش به غارت رفت. بابا از آن به غایت متالم و مضطر گردید؛ لهذا کتابتی به شیراز به برادر خود نوشت که دیوان اشعار بنده گم شده و از آن بیتی بل مصرعی به خاطر نیست. توقع آنکه از مسودات شعر بنده آنچه در شیراز به هم

رسد، از بیاض‌ها و کتاب‌ها جمع نموده بفرستد و برادر وی در سرای نیریزیان شیراز غلاف‌گری کردی. غرض که این دیوان متداول بعد از بابا به هم رسیده و آن دیوان که خود ترتیب داده بود، مشخص نیست که چه شد» (اوحدی بلیانی، ۱۳۸۹: ۳۲۲۱).

۱.۱. پیشینه‌ی تحقیق

اول‌بار دیوان اشعار فغانی را «نمونه‌ن لال‌ماتهر دهلوی» در سال ۱۳۱۴ خورشیدی تصحیح و در چاپخانه‌ی «عالمگیر الیکترک پریس» در لاهور چاپ کرده است (رک. نوشاهی، ۱۳۹۱: ۲۰۷۲). در چاپی که در دسترس پژوهش‌گران قرار دارد، در انتهای کتاب فصل‌هایی با نام غلط‌نامه، اضافه‌ی اشعار و اضافه‌ی غزلیات دیده می‌شود که نشان می‌دهد احتمالاً این چاپ، چاپ دوم یا چندم است. همچنین این چاپ در انتشارات «شیخ مبارک‌علی تاجر» چاپ شده است. لال‌ماتهر هفت نسخه در اختیار داشته است که سه نسخه‌ی آن‌ها را از کتابخانه‌هایی در پنجاب و جی‌پور و کلکته به دست آورده است. از میان این نسخ، دو نسخه در قرن سیزدهم کتابت شده‌اند و بسیار متأخر محسوب می‌شوند. احمد سهیلی خوانساری نیز در ایران در سال ۱۳۱۶ دیوان فغانی را تصحیح و چاپ کرد. چاپ اول شامل غزلیات، قطعات و رباعیات بود. چاپ دوم که در سال ۱۳۴۰ به اهتمام انتشارات اقبال صورت گرفت، تمام اشعار بابا فغانی (قصاید، غزلیات، ترکیبات، ترجیعات، مقطعات و رباعیات) را دربرمی‌گرفت. مصحح در پایان کتاب فهرستی از اصطلاحات و رجال و اماکن اضافه نموده است. چاپ سوم این دیوان در سال ۱۳۵۳ و به صورت افست انجام شده است.

پنجاه‌وهشت سال از آخرین تصحیح دیوان فغانی می‌گذرد که در این مدت پژوهشگران و مصححان، به تصحیح مجدد این دیوان یا تصحیح تک‌تک اشعار اقدام نکرده‌اند. این درحالی است که علاوه بر نسخ در دسترس خوانساری، بیش از بیست نسخه‌ی دیگر از این دیوان یافت شده‌است که برخی از آن‌ها از لحاظ قدمت و صحت،

معتبرتر از نسخه‌های خوانساری هستند. پژوهشگران پس از ارزیابی ضبط‌های خوانساری برای انتخاب ضبط‌های صحیح‌تر از برخی از این نسخ کمک گرفته‌اند.

۲. نقد روش تصحیح مصححان

۱.۲. تصحیح لال‌ماتهر دهلوی

نمونه‌ی لال‌ماتهر دهلوی در مقدمه‌ی خود ذکر می‌کند که برای اول‌بار دیوان فغانی را تصحیح و چاپ کرده است. وی در این تصحیح از هفت نسخه بهره می‌گیرد که به‌اختصار معرفی می‌گردند: ۱. نسخه‌ی کتابخانه‌ی دانشگاه پنجاب که کتابتی ویژه دارد؛ اما سی غزل از غزل‌های مشهور در آن موجود نیست؛ ۲. نسخه‌ی کتابخانه‌ی ماهاراجه‌ی جی‌پور؛ ۳. نسخه‌ی کتابخانه‌ی امپریال کلکته؛ ۴. نسخه‌ی مرحوم لاله سریرام صاحب دهلوی (مؤلف خمخانه‌ی جاوید) که تاریخ کتابت آن ۲۳ صفر ۱۲۸۹ هـ.ق است؛ ۵. نسخه‌ی خط شکسته و کرم‌خورده؛ ۶. نسخه‌ی خان‌بهداد خدابخش که در سال ۱۹۰۰ میلادی کتابت شده است؛ ۷. نسخه‌ی ۴۶۵ که تقریباً کامل است و در سال ۱۲۵۳ هـ.ق کتابت شده است.

۱.۱.۲. نقد روش تصحیح و کاستی‌های چاپ لال‌ماتهر

اشکال‌های تصحیح لال‌ماتهر دهلوی عبارت‌اند از:

۱. تاریخ کتابت چهارنسخه از نسخه‌هایی که توسط لال‌ماتهر انتخاب شده‌اند مشخص نیست و سه نسخه‌ی دیگر نیز جزء نسخ متأخر محسوب می‌شوند که همین امر از اعتبار نسخ و گزینش وی می‌کاهد؛
۲. لال‌ماتهر در این تصحیح نسخه‌ی اساس را معرفی نمی‌کند و به‌طور کلی مشخص نیست روش تصحیح او چه بوده است؛
۳. لال‌ماتهر در مقدمه‌ی تصحیح خود از وفور نسخ دیوان فغانی در کتابخانه‌ها یاد می‌کند؛ اما وی از میان تمام این نسخ فقط هفت نسخه را برگزیده است بی‌اینکه علت این گزینش را توضیح دهد؛ در نتیجه مشخص نیست که این انتخاب بر اساس قدمت نسخه‌ها صورت گرفته است یا صحت و سلامت ضبط‌های موجود در نسخ؛

۴. به نظر می‌رسد حیطه‌ی جست‌وجوی او برای یافتن نسخ، به شبه‌قاره محدود بوده

است و بر اساس نسخ موجود در آن ناحیه دست به تصحیح دیوان می‌زند؛

۵. در تصحیح لال‌ماتهر تعدادی از غزلیات موجود نیست، به این معنا که یا این غزلیات در

نسخ وی وجود نداشته‌اند که این خود دلیلی دیگر بر کم‌اعتباری نسخ اوست یا از قلم

تصحیح وی دور و مهجور مانده‌اند؛ برای نمونه در چهارصد غزل نخست، ۱۸ غزل که

در نسخ قدیم یافت می‌شوند، در تصحیح لال‌ماتهر موجود نیستند؛

۶. در این تصحیح تعداد زیادی از ابیات نیز محذوف است؛ برای مثال در چهارصد غزل

اول ۱۴۶ بیت که در نسخ قدیم ثبت شده‌اند، در چاپ لال‌ماتهر یافت نمی‌شوند؛

۷. در این تصحیح غزل‌هایی از فغانی یافت می‌شود که نه در چاپ خوانساری موجود

است و نه در دیگر نسخ قدیم در دسترس از این دیوان. همین مسئله می‌تواند نشانگر

کم‌اعتباری و ضعف نسخه‌های منتخب لال‌ماتهر باشد. چه بسا این غزلیات از شاعرانی

دیگر با تخلص فغانی باشد که بنا بر قول اوحدی، صاحب تذکره‌ی عرفات، هم‌دوره با

فغانی شیرازی می‌زیسته‌اند؛

۸. در این تصحیح، ذکر ضبط‌های متفاوت ابیات از دیگر نسخ کاملاً سلیقه‌ای بوده و گاه

با پیچیدگی ابیات یا احساس نیاز مصحح، یک یا دو مورد از دیگر ضبط‌ها ذکر شده‌اند؛

۹. به دلیل آشنایی کمتر مصحح با زبان فارسی وزن بسیاری از ابیات مخدوش است؛ برای

نمونه:

- در بیت هفتم غزل ۱۹۷ (شماره‌ی غزلیات بر اساس ترتیب آن‌ها در چاپ خوانساری

است):

ضرورت است فغانی وصال هم‌نفسی ز صدهزار یکی چون تو فرد می‌آید

(خوانساری، ۱۳۴۰: ۱۲۸)

لال‌ماتهر به جای ضبط فرد ضبط فرود را برگزیده است که باعث مخدوش شدن وزن

بیت و به هم خوردن معنا می‌شود.

-در بیت پنجم غزل سی‌ام:

نمی‌شود مژهم گرم از آن سحر که به ناز گشاد نرگس مخمور و بست خواب مرا
(همان: ۲۸)

لال‌ماتهر به‌جای ضبط «از آن سحر که به ناز» ضبط «زان‌که سحر نه باز» را برگزیده است
که وزن بیت را مخدوش می‌کند.

- در بیت اول غزل یازدهم:

دلگیرم از بزم طرب غم‌خانه‌ای باید مرا من عاشق دیوانه‌ام ویرانه‌ای باید مرا
(همان: ۱۲)

لال‌ماتهر به‌جای ضبط دلگیرم ضبط دیگر از، را برگزیده است که وزن بیت را مخدوش
می‌کند.

۱۰. ضبط انتخاب‌شده توسط لال‌ماتهر در بسیاری از موارد نادرست است. ممکن است
این اشکال به‌سبب کم‌اعتباری و ضعف ضبط‌های موجود در نسخ در دسترس او بوده
باشد. در دویست غزل اول در ۹۰ بیت ضبط‌هایی سالم‌تر و معتبرتر از ضبط‌های لال‌ماتهر
در نسخ قدیم یافت شده است؛ برای نمونه:

- گویند ترک تاج کن و دردسر مکش جایی که ترک سر نبود ترک تاج نیست
(همان: ۸۲)

(بیت پنجم از غزل ۸۵) لال‌ماتهر در تصحیح خود به‌جای ضبط مکش، واژه‌ی بکش
را انتخاب کرده است که معنا را مختل می‌کند؛ چون شاعر در بیت پند ناصحان را نقل قول
می‌کند؛ آنان معتقدند ترک تاج شاهی، دردسرهای پادشاهی را از فرد زایل می‌کند؛ اما
شاعر در جواب به آن‌ها چنین استدلال می‌کند که برای ترک تاجی که بر سر نهاده می‌شود،
ابتدا باید سری وجود داشته باشد که تاج بر آن قرار گیرد؛ هنگامی که سری برای گذاشتن
تاج وجود ندارد، ترک تاج نیز بی‌معناست. در ضبط منتخب لال‌ماتهر، ترک تاج پادشاهی
خود ایجاد دردسر می‌کند که به نظر می‌رسد با معنای مد‌نظر شاعر همخوانی ندارد.

- من از حلاوت خطش کنایتی گفتم لبش به خنده درآمد که انگبین این است
(همان: ۹۳)

(بیت دوم از غزل هشتادونه) لال ماتهر به جای ضبط کنایتی از واژه‌ی کتابتی استفاده کرده است. با آنکه کتابت با خط پیوند دارد؛ اما با توجه به معنای بیت این انتخاب نادرست به نظر می‌رسد؛ چون اول، به نظر می‌رسد شاعر در حال مخاطبه با معشوق است و در این گفت‌وگوی دوطرفه کتابت جایی ندارد و دوم، عبارت «کتابت گفتن» در متون قدیم یافت نشده است و در نتیجه بعید است فغانی از چنین ترکیبی استفاده کند.

- نشان حال خرابات جستم از رندی نهاده کاسه‌ی دردی که بر زمین این است
(همان: ۶۲)

(بیت پنجم از غزل هشتادونه) در چاپ لال ماتهر به جای ضبط جستم واژه‌ی مستم ضبط شده است که با توجه به ساخت بیت بی‌معنا است. در مصرع اول این بیت، شاعر نشان حال خرابات را از رندی می‌جوید و چنان‌که واضح است ضبط لال ماتهر معنا را مختل می‌کند:

- قانون طرب ساز گدا نیست و گرنه بس نغمه‌ی دل‌سوز که در پرده‌ی سیم است
(همان: ۷۵)

(بیت دوم از غزل نودوسه) در چاپ لال ماتهر در این بیت به جای پرده‌ی سیم، پرده شمیم ضبط شده است که با این ضبط، معنایی به ذهن پژوهشگران متبادر نشد. کلمات ساز، قانون، طرب، نغمه و پرده مجموعه‌ای از تناسبات معنایی ایجاد می‌کنند و در این مجموعه واژه‌ی «شمیم» جایگاهی ندارد و کامل‌کننده‌ی این پازل، کلمه‌ی سیم است.

- ز برق آه سازم خانه روشن طرب‌جای زران‌دودم همین است
(همان: ۸۳)

(بیت سوم از غزل سی‌وسوم) در تصحیح لال ماتهر، به جای ضبط برق، فرق ثبت شده است. شاعر در این بیت آه خود را روشنابخش خانه و کاشانه می‌داند و برآمدن آه از سینه را به گذر برق در آسمان تشبیه می‌کند که برای لحظه‌ای آسمان را روشن کرده، سپس ناپدید می‌شود. در ضبط مدنظر لال ماتهر، نه تنها این تصویر شاعرانه مخدوش می‌شود؛ بلکه بیت معنای مطلوب را نیز از دست می‌دهد:

- آه از این عشوه‌نمایان که به هر چشم‌زدن در نظر چشمه‌ی نوشند و به دل نیشترند
(همان: ۴۸)

(بیت سوم از غزل صدو شصت و دو) در تصحیح لال‌ماتهر به‌جای ضبط نیشترند، منتشرند آمده است. در مصرع دوم، چنان‌که می‌نماید، تقابل بین تأثیر عشوه‌نمایان در ظاهر و باطن بیان شده است، جدا از اینکه ضبط منتشرند معنای دقیقی در این بیت ندارد، این تقابل را نیز نشان نمی‌دهد. در ضبط درست‌تر که معنای کامل‌تری دارد، شاعر با استفاده از دو واژه‌ی نوش و نیشتر تضاد میان نوش و نیش را نیز به ذهن متبادر می‌کند. ۱۱. به‌دلیل آشنایی کمتر با زبان فارسی گاه مصحح دچار خوانش نادرست ضبط نسخ شده است؛ برای نمونه:

- به تبسم نهانی که زدی به گریه‌ی من مژه‌ی خیال‌بازم چه گهر که سفت امشب
(همان: ۹۰)

(بیت دوم از غزل ۵۶) در تصحیح لال‌ماتهر، به نظر می‌رسد مصحح، در خوانش ضبط مژه دچار خطا شده است و آن را به‌شکل مژه خوانده و ثبت کرده است. در ضبط لال‌ماتهر، بیت فاقد معنا می‌شود:

- کی دل یوسف حزین یار شود به مصریان بلکه وفای دیگران بند بود غریب را
(همان: ۷۷)

(بیت پنجم از غزل سی و سوم) در تصحیح لال‌ماتهر به‌جای ضبط بند، پند آمده است. احتمالاً کم‌التفاتی کاتبان به نقطه‌گذاری موجب شده مصحح در خوانش کلمه دچار خطا شود و واژه را به‌شکل پند ثبت کند.

۱۲. تاریخ تصحیح و چاپ این اثر در هیچ‌کجای کتاب ذکر نشده است. تاریخ چاپ این دیوان را از کتاب کتاب‌شناسی آثار فارسی چاپ شده در شبه‌قاره استخراج کردیم؛

۱۳. در این اثر که به شیوه‌ی چاپ سنگی منتشر شده است، ناهمگونی شیوه‌ی نگارش و غلط‌های املائی به‌وفور یافت می‌شود و ممکن است بعضی از خطاهایی که به مصحح نسبت داده می‌شود، ناشی از خطای ناشر اثر بوده باشد؛ برای نمونه:

چمن ز سایه‌ی سروت چو گلشن ارم است نهال قد تو را آب خضر در قدم است
(همان: ۵۵)

در بیت بالا به‌جای واژه‌ی سروت، ثروت آمده است که مشخص است در اثر بی‌دقتی
ناشر یا کاتب به این شکل درآمده است.

موارد سیزده‌گانه‌ی بالا اشکالاتی بنیادین هستند که اعتبار تصحیح لال‌ماتهر را مخدوش
و ضرورت تصحیح مجدد را مشخص می‌کنند.

۲.۲. تصحیح سهیلی خوانساری

نخستین بار سهیلی خوانساری در سال ۱۳۱۵ (تاریخی که در پایان مقدمه‌ی اولین چاپش
ذکر کرده) به تصحیح غزلیات بابافغانی پرداخته و آن را در سال ۱۳۱۶ توسط انتشارات
کتابخانه‌ی علمیه‌ی اسلامی چاپ کرده است. در این تصحیح از سه نسخه استفاده شده
است. ایشان نسخه‌های مورداستفاده‌ی خود را این‌گونه معرفی کرده‌اند:

«۱. نسخه‌ی متعلق به کتابخانه‌ی ابوالفضائل حضرت آقای حاج حسین آقا ملک دامت
افاضاته که قدیم‌ترین نسخه و به‌طوری‌که رسم‌الخط و تذهیب آن نشان می‌دهد اواسط
قرن دهم یعنی تقریباً بیست‌وپنج سال بعد از وفات بابا استنساخ شده است [شماره‌ی
این نسخه، ۵۰۹۳ است.]»

۲. نسخه‌ی متعلق به استاد دانشمند حضرت آقای وحید دستگردی که ظاهراً اواخر قرن
دهم تحریر یافته است؛

۳. نسخه‌ی متعلق به فاضل محترم حضرت آقای میرزا احمدخان اشتری که از حیث
زیبایی خط بر سایر نسخ رجحان دارد.» (سهیلی خوانساری، ۱۳۱۶: ۱۶).

سهیلی خوانساری با به‌دست‌آوردن پنج نسخه‌ی نفیس دیگر، مجدداً به تصحیح
غزلیات فغانی دست می‌برد و آن را در سال ۱۳۴۰ توسط انتشارات اقبال به چاپ
می‌رساند. نام و نشان پنج نسخه‌ی تازه‌ی وی بدین شرح است:

۱. نسخه‌ی آقای سلطان‌القرایی که به خط نستعلیق محمد مؤمن اوایل قرن یازدهم نوشته شده به قطع بیست‌وچهار در چهارده و کاغذ ترمه‌ی سمرقندی؛
۲. نسخه‌ی کتابخانه‌ی مجلس شورای ملی به شماره‌ی ۱۴۸ که به خط نستعلیق محمد مؤمن کرمانی در سال ۱۰۰۲ استنساخ گردیده و به قطع بیست سه و یک دوم در سی و یک و کاغذ دولت‌آبادی می‌باشد؛
۳. نسخه متعلق به کتابخانه‌ی مجلس شورای ملی به شماره ۱۰۳۹ به خط استاد فقید عبرت نائینی که در سال ۱۳۴۳ برای سردار معظم خراسانی تیمورتاش نوشته شده به قطع دوازده در هجده و کاغذ فرنگی آهار مهرشده می‌باشد؛
۴. نسخه‌ی دیگر نیز متعلق به کتابخانه‌ی مجلس به شماره‌ی ۱۰۴۰ خط نستعلیق و قطع بیست در یازده. این نسخه بعضی از دیوان فغانی بوده و از ردیف الف تا دال را دارا می‌باشد؛
۵. نسخه‌ی متعلق به کتابخانه‌ی ملک به شماره ۶۲۵۲ که به خط نستعلیق اواخر قرن دهم می‌باشد و مقداری از آغاز و انجام آن افتاده است به قطع نوزده در ده و یک دوم. در تصحیح این دیوان اصح نسخ متن قرار گرفته [است]. (سهیلی خوانساری، ۱۳۴۰: پنج).

۱.۲.۲ نقد روش تصحیح خوانساری

- خوانساری در تصحیح نخست، در باب روش تصحیح و انتخاب نسخه‌ی اساس سخنی نگفته است و این نسخه را به مخاطب معرفی نکرده است؛ ولی با توجه به موارد زیر احتمالاً نسخه‌ی اصلی و اساس تصحیح او، «نسخه‌ی ۵۰۹۳ کتابخانه‌ی ملک» است:
۱. چنان‌که از سخن وی برمی‌آید، نسخه‌ی کتابخانه‌ی ملک را قدیم‌ترین نسخ دانسته است؛
 ۲. تقریباً ترتیب غزل‌ها در چاپ خوانساری مطابق با ترتیب همین نسخه است؛
 ۳. ترتیب ابیات هر غزل نیز بر اساس ترتیب ابیات این نسخه سامان‌یافته است.
- با نگاهی اجمالی به دو تصحیح خوانساری، آشکار می‌شود که هر دو از نظر ترتیب غزلیات، تقریباً یکسان‌اند و همچنین ترتیب ابیات در تصحیح دوم نیز تقریباً مانند تصحیح

اول است و فقط در بعضی از ضبطها تفاوت‌هایی دیده می‌شود. براین اساس می‌توان نتیجه گرفت که نسخه‌ی ۶۲۵۲ کتابخانه‌ی ملک که در تصحیح دوم، بنا بر قول مصحح، اصح نسخ متن قرار گرفته، بیشتر برای تغییر بعضی ضبطها مورداستفاده‌ی وی بوده است. درواقع در تصحیح دوم مبنای تصحیح، بر همان نسخه‌ی ۵۰۹۳ کتابخانه‌ی ملک بوده و با وجود اینکه خوانساری در چاپ دوم از نسخه‌ی ۶۲۵۲ به‌عنوان نسخه‌ی اساس نام می‌برد، بیشتر از این نسخه برای تغییردادن بعضی از ضبطها استفاده کرده است. بر همین اساس می‌توان نتیجه گرفت که خوانساری در هر دو تصحیح خود روش مشخصی را برای تصحیح برگزیده است. او در تصحیح نخست نسخه‌ی اساس خود را مشخص و معرفی نمی‌کند و این خود ضعف روش‌شناختی تصحیح اول محسوب می‌شود. در تصحیح دوم نیز باوجود اینکه از نسخ تازه‌یافته نام می‌برد و یکی از آنها را به‌عنوان اصح نسخ در تصحیح متن معرفی می‌کند؛ اما گویی از نسخ تازه یافت شده و این نسخه‌ی اساس جدید فقط برای رفع بعضی از مشکلات تصحیح قبل استفاده کرده است؛ این امر از تطبیق تصحیح اول و دوم آشکار می‌شود. درواقع می‌توان گفت به‌عکس گفته‌ی خوانساری در مقدمه‌ی تصحیح دوم به‌طورکلی تصحیح جدیدی در غزلیات که حجم اصلی دیوان را به خود اختصاص داده، انجام نشده است و تنها برخی از پیچیدگی‌ها، بی‌معنایی‌ها و نقاط ضعف تصحیح قبل برطرف شده است.

۲.۲.۲. کاستی‌های تصحیح خوانساری

۱. در تصحیح خوانساری تعدادی از غزلیات موجود نیست، به‌این معناکه یا این غزلیات در نسخ وی وجود نداشته‌اند که این خود دلیلی بر کم‌اعتباری نسخ اوست یا از قلم تصحیح وی دور و مهجور مانده‌اند. ۱۲ غزل در نسخ قدیم وجود دارد که در تصحیح خوانساری موجود نیست.

۲. در این تصحیح تعداد زیادی از ابیات نیز محذوف است؛ برای مثال در چهارصد غزل اول بیت ۵۸ موجود نیست. این ابیات در نسخ قدیم یا در چاپ لال‌ماتهر آمده است. در چهارصد غزل اول ۲۷ بیت از این ابیات در نسخه‌ی اساس خوانساری در تصحیح دوم

(نسخه‌ی ۶۲۵۲) موجود است و نیز ۱۶ بیت از این ابیات نیز در نسخه‌ی اساس تصحیح اول (نسخه‌ی ۵۰۹۳) یافت شده است. به نظر می‌رسد که یکی از دلایل حذف این ابیات توسط خوانساری ضبط دشوار و معنی مشکل آن‌ها بوده است؛ برای نمونه:
در غزل دویست و پنجاه و هفت این بیت حذف شده است:

مجنون نتوان سوخت که از پرده برون شد قطع نظر از خانه سیاهی نتوان کرد
(خوانساری، ۱۳۴۰: ۲۲۸)

این بیت در هر دو نسخه‌ی «۶۲۵۲» و «۵۰۹۳» موجود است. چنان‌که مشاهده می‌شود، معنای مصرع نخست و تلمیح آن چندان روشن نیست و احتمالاً به همین سبب توسط مصحح حذف شده است.

در غزل دویست و هشتاد و یک این بیت حذف شده است:

به بویی واممان از ما چو از کویش رسی ای باد

که ما را چون تو هم در این چمن یک روز راهی بود

(همان: ۲۴۰)

این بیت در هر دو نسخه‌ی «۵۰۹۳» و «۶۲۵۲» موجود است و مصراع اول در نسخه‌ها دارای ضبط‌های متفاوت است که نشان از دشواری آن دارد؛ برای مثال برای «به بویی واممان» ضبط‌های «به بوی دل همان، به بوی دل ممان و بیوسی آستان» آورده شده است. در غزل سیصد و دو این بیت حذف شده است:

درس دعا لعل تو، داشت دریغ از ملک وه که به دشنام تلخ باز چه گویم چه شد

(همان: ۱۲۰)

این بیت در نسخه‌ی «۵۰۹۳» موجود است؛ ولی طبق این ضبط، قافیه‌ی بیت یعنی «گویم» با دیگر ابیات غزل هماهنگ نیست. (قافیه‌های مطلع غزل حلیم و ندیم است.) به نظر می‌رسد خوانساری به همین دلیل این بیت را در چاپ خود نیاورده است.

۳. ضبط انتخاب‌شده توسط خوانساری در بسیاری از موارد نادرست است. ممکن است این اشکال به سبب کم‌اعتباری و ضعف ضبط‌های موجود در نسخ در دسترس او بوده

باشد. در چهارصد غزل اول برای ۱۴۰ بیت ضبط‌هایی سالم‌تر و معتبرتر از ضبط‌های خوانساری در نسخ قدیم یافت شده است؛ برای نمونه:

غزل ۱ / بیت ۳:

تیغ زبان عارفان زنگ گرفت و همچنان عشق تو جلوه می‌دهد خنجر سرزدای را
(همان: ۲)

در چاپ خوانساری از اصطلاح «گرد گرفت» استفاده شده است. نسخه‌ی شاه‌محمد مشهدی که مربوط به ۹۵۰ هـ.ق است ضبط «رنگ گرفت» را آورده است، احتمالاً ضبط صحیح «زنگ گرفت» است که تصحیف‌شده‌ی «رنگ گرفت» می‌باشد.

غزل ۴ / بیت ۴:

به نوید آب حیوان دل مرده بازناید تو ز حسن و عمر برخوردار که هوس غنود ما را
(همان: ۵)

در چاپ خوانساری مصرع اول با فعل «بازماند» به اتمام می‌رسد؛ اما سه نسخه‌ی قدیم (پیر محمد کاتب، محمد مؤمن و نسخه‌ی ۲۳۰۸ کتابخانه‌ی ملی) فعل «بازناید» را ثبت کرده‌اند. به نظر می‌رسد بیت با ضبط «بازناید» درست‌تر و معنادارتر است (دلی که مرده است، با وعده‌ی آب حیوان زنده نخواهد شد).

غزل ۲۳ / بیت ۲:

نه دل آگه بود کز دیدنش چون می‌شود حالم نه از غیرت توانم برد یار آگهی آنجا
(همان: ۲۸)

در چاپ خوانساری مصرع دوم بی‌معناست: «نه دل آگه شود کز دیدنش چون می‌شود حالم/ نه از غیرت توانم دید با این آگهی آنجا». ضبط منتخب بیت ترکیبی از نسخه‌های محمد مؤمن و ۲۳۰۸ ملی است. به لحاظ محتوایی شاعر از لحظه‌ی دیدار با معشوق می‌سراید؛ دیداری که در آن حتی دل شاعر از حال وی باخبر نیست و شاعر آن‌چنان نسبت به یار غیرتمند است که نمی‌تواند برای کسب آگهی از حال خود شخصی

آگاه را در آن مجلس حاضر کند. مهم‌ترین دلیل برای اثبات صحیح بودن این ضبط، بیت بعد است:

که می‌داند که چونم می‌کشد در خلوت آن بدخو

چو هرگز از عزیزان نیست با من هم‌رهی آنجا

(همان: ۲۸)

شاعر تأکید می‌کند که هرگز هنگام ملاقات با معشوق از همراهان کسی را با خود نمی‌برد و هیچ‌کس شاهد نحوه‌ی کشته شدن او هنگام ملاقات با معشوق بدخو نیست.

غزل ۹۳ / بیت ۴:

بلبل چو گلی دید همان لحظه فرومرد آزرده‌گی صاحب بوستان ز نسیم است

(همان: ۱۰۰)

در چاپ خوانساری در مصرع اول از فعل «فروبرد» استفاده شده است که معنای بیت را مخدوش و ناقص می‌کند. نسخه‌ی شاه محمد مشهدی این مصرع را با فعل «فرومرد» ضبط کرده است. با توجه به ضبط نسخه‌ی شاه محمد (فرومرد) معنای بیت چنین خواهد شد: بلبل (که عاشق واقعی است) در لحظه‌ی دیدار گل جان را تسلیم می‌کند و دردسری برای صاحب باغ ایجاد نمی‌کند. آزرده‌گی صاحب بوستان از نسیم (هرزه‌گرد) است است که با رفت و آمدهای گاه به گاه خود باعث پژمردگی گل و نتیجتاً ناراحتی باغ‌دار (از پژمردگی گل) می‌شود.

غزل ۱۲۰ / بیت ۴:

مگشای ای نسیم سحر جیب غنچه را از بوی گل چه سود مرا بوی او بس است

(همان: ۱۲۶)

در چاپ خوانساری مصرع اول با فعل «مگشای» آغاز شده است که با توجه به معنای بیت این ضبط نادرست به نظر می‌رسد. در نسخه‌ی شاه محمد مشهدی فعل «مگشای» آمده است. بر اساس ضبط نسخه‌ی مذکور معنای بیت چنین می‌شود: ای نسیم شکوفاگر سحر، گریبان غنچه را باز مکن که بوی گل برایم بی‌فایده است. مرا عطر خوش یار کافی است.

غزل ۱۵۹/ بیت ۴:

خاصان بزم وصل نجویند نوبهار مقصود صحبت است ز صحرا چه دیده‌اند
(همان: ۲۰۰)

در چاپ خوانساری مصرع اول با فعل «بجویند» آمده است که با توجه به معنای بیت این ضبط چندان درست به نظر نمی‌رسد و براین اساس ضبط نسخه‌ی شاه محمد مشهدی (نجویند) مناسب‌تر است: آنان که خاصان بزم وصال یار هستند، خواستار نوبهار و عشرت در صحرا و باغ نیستند. مراد آنان صحبت و همشینی است.

غزل ۱۶۳/ بیت ۴:

عاشقت چون گل شبنم‌زده در بر نگرفت کز گریبان ترت بوی گلایی نکشید
(همان: ۲۱۷)

در چاپ خوانساری مصرع اول با فعل «در بر بگرفت» پایان می‌یابد که با توجه به معنای بیت و ساختار دو فعل منفی در بیت که معنای مثبت می‌دهد این ضبط نادرست است؛ زیرا معنای بیت را مخدوش می‌کند. ضبط صحیح نسخه‌ی شاه محمد فعل «در بر نگرفت» است.

غزل ۱۶۳/ بیت ۶:

مژه چون سوزن و چاک جگر پاره ندوخت خار دردی ز دل خانه‌خرابی نکشید
(همان: ۲۱۷)

در چاپ خوانساری مصرع اول با فعل «بدوخت» پایان می‌یابد. در نسخه‌ی شاه محمد و نسخه‌ی اساس خوانساری (۶۲۵۲) از ضبط «ندوخت» استفاده شده است. با توجه به معنای مصرع دوم (خار دردی از دل ویران هیچ‌کس بیرون نیاورد) ضبط نسخه‌ی شاه محمد و اساس خوانساری مناسب‌تر به نظر می‌رسد.

غزل ۱۸۰/ بیت ۸:

زود مگذر زاین نگارستان که زیر هر ورق صد هزاران نازکی دریکدگر پنهان بود
(همان: ۲۴۳)

در چاپ خوانساری مصرع اول به این شکل آمده است: «زود بگذر زاین نگارستان که زیر هر دری». در نسخه‌های ۲۳۰۸ ملی، محمد مؤمن و پیر محمد کاتب به جای فعل بگذر از فعل «مگذر» و به جای «هر دری» از «هر ورق» استفاده شده است. با توجه به محتوای بیت و تأکید شاعر به نازکی‌های پنهان در یکدگر ضبط این نسخ مناسب‌تر است؛ زیرا خواننده را تشویق به دقت و تأمل بیشتری می‌کند (مگذر) و «هرورق» نیز با محتوای کلی غزل که در توصیف باغ و بوستان است و محتوای بیت که در توصیف نگارستان است، سازگارتر است.

غزل ۲۰۰ / بیت ۵:

در هر سری ز باده‌ی توحید نشئه‌ای ست زاین اعتبار دعوی منصور شد بلند
(همان: ۲۹۰)

در چاپ خوانساری مصرع اول چنین آمده است: «در هر سری ز نشئه‌ی توحید باده‌ای است»؛ اما در نسخه‌ی شاه محمد توحید به باده تشبیه شده است (باده‌ی توحید) که هر کسی از آن باده، سرخوشی مخصوص به خود را دارد. به نظر می‌رسد ضبط چاپ خوانساری چندان درست نباشد. تکرار همین مضمون در بیت هشتم غزل ۱۷۵ مؤید ضبط جدید برای این بیت است: «عشق در هر مشربی کیفیتی دارد غریب / یک شراب است این ولیکن نشئه دیگرگون دهد».

غزل ۱۶۰ / بیت ۴:

ز دفتر دل عشاق چون گشایی فال نوای زمزمه‌ی شوق حسب حال تو باد
(همان: ۲۱۵)

در چاپ خوانساری مصرع اول با ضبط مال آمده است که فاقد معناست. ضبط صحیح را نسخه‌ی شاه محمد مشهدی تأیید می‌کنند.

غزل ۲۰۵ / بیت ۲:

نماید همچو عکس طوطی آلی در آینه دل خونین که از پیکان خوبان غرق آهن شد
(همان: ۳۰۰)

در چاپ خوانساری مصرع نخست به صورت: «نماید همچو عکس طوطی آبی در آینه» آمده است. با توجه به اینکه در این بیت تشبیه مرکبی صورت گرفته است، طرف نخست تشبیه که در مصرع دوم آمده می تواند در یافتن ضبط صحیح یاری دهنده باشد: «دل خونین که از پیکان خوبان غرق آهن شد مانند عکس طوطی آبی در آینه می نماید.» با توجه به مشبه مرکب این تشبیه «دل خونینی که غرق آهن بشود» شباهتی به «تصویر طوطی آبی در آینه» ندارد. ضبط دیگری که در نسخه‌ی پیرمحمد کاتب می بینیم تشبیه را کامل می کند: «نماید همچو عکس طوطی آلی در آینه». آلی به معنای سرخی و سرخی نیم‌رنگ در لغت‌نامه‌ی دهخدا ذکر شده است به علاوه‌ی اینکه یای آلی در اینجا می تواند نکره باشد و آل خود به معنی سرخ است. معنای بیت با ضبط جدید روشن است و اغراقی دلپذیر دارد: دل خونین که از پیکان خوبان غرق آهن شده است؛ مانند تصویر طوطی سرخ‌رنگ در آینه است.

غزل ۲۱۸ / بیت ۳:

پیاله گیر که دست سپهر نتوان تافت اگر نگیمن سلیمان به دست مور دهد
(همان: ۳۱۲)

ضبط چاپ خوانساری «دست سپهر نتوان یافت» است که معنای دقیقی از آن دریافت نمی شود. تنها در نسخه‌ی «۵۰۹۳»، «دست سپهر نتوان تافت» آمده است که معنای بیت را روشن می کند: پیاله بگیر، چون نمی توان با سپهر - اگر نگیمن سلیمان به دست مور دهد - جنگید و دست او را تابانید و او را شکست داد.

غزل ۲۲۰ / بیت ۵:

یوسف صفتان نام خود از غایت تعظیم در گوشه‌ی مکتوب غلام تو نویسند
(همان: ۲۲۰)

در چاپ خوانساری در مصرع اول به جای ضبط نام خود، نام تو آورده شده است که از نظر معنایی کاملاً نادرست است. ضبط صحیح از نسخه‌ی شاه محمد مشهدی انتخاب شده است.

غزل ۲۲۴ / بیت ۴:

پیام تلخ ز معشوق عین مرحمت است خجسته وقت اسیری که این پیام شنید
(همان: ۲۴۵)

خوانساری در چاپ خود، پیام وصل را ضبط کرده است که در نسخه‌ی «۵۰۹۳» نیز دیده می‌شود؛ اما نسخه‌ی شاه محمد مشهدی پیام تلخ را مضبوط داشته‌است که معنای ادبی‌تری دارد و چنین مضمونی را از حافظ می‌بینیم آنجا که فرموده: «بدم گفتی و خرسندم عفاک الله نکو گفتی / جواب تلخ می‌زید لب لعل شکرخا را» (رک. خانلری، ۱۳۶۲، ج ۱: ۲۲).

غزل ۲۳۰ / بیت ۲:

خنجر مکش از دور که من صید هلاکم نزدیک‌تر آ زین غضب و تاب چه خیزد
(خوانساری، ۱۳۴۰: ۲۳۸)

خوانساری مصرع دوم را به‌صورت «نزدیک‌تر از این غضب و تاب چه خیزد» آورده که معنای دقیقی در بیت ندارد. طبق نسخه‌ی شاه محمد مشهدی «نزدیک‌تر آ زین غضب و تاب چه خیزد» صحیح است و با معنای کل بیت سازگاری و تناسب دارد.

غزل ۲۶۹ / بیت ۳:

چه وصف جلوه‌ی گل‌های نو شکفته کنم چو غیر حسن توام در نظر نمی‌آید
(همان: ۲۷۵)

در این بیت خوانساری از ضبط گل‌های ناشکفته استفاده کرده است؛ اما نسخه‌های «۲۳۰۸» و «۶۲۵۲» بیت را با گل‌های نوشکفته آورده‌اند که معنای بهتری دارد.

غزل ۳۱۱ / بیت ۶:

چون نهال ناز پرورد قدت نبست از زلال شیرهی جان‌ها نی قندی دگر
(همان: ۳۱۸)

در چاپ خوانساری بیت با ضبط «صورت ببست» آمده است که در این صورت معنای درستی از بیت دریافت نمی‌شود. ضبط نسخ «پیرمحمد کاتب» و «۶۲۵۲» (صورت نبست) مناسب‌تر و دارای معنای روشن‌تری است: مانند نهال ناز پرورد قدت تو، از زلال شیرهی جان‌ها، نی قند دیگری صورت نبست.

غزل ۳۳۴ / بیت ۵:

پی به مقصد بر که نبود بی مسما هیچ اسم این که می گویند عنقا نه همین نام است و بس
(همان: ۳۴۰)

ضبط چاپ خوانساری (اینکه می گویند عنقایی همین نام است و بس) با معنای مصرع
نخست تضاد دارد. ضبط نسخه‌ی شاه محمد مشهدی بدین گونه است: «اینکه می گویند
عنقا نه همین نام است و بس» که مناسب‌تر بوده و معنای بیت را تکمیل می‌کند: لب و
مغز سخن را دریاب؛ زیرا هر اسمی مسمایی دارد، اینکه از عنقا نام می‌برند، فقط اسم و
افسانه نیست و حقیقتی دارد.

غزل ۳۳۹ / بیت ۱:

بغایت تلخ گفتار است در می لعل می گوش
هزاران جان شیرین نقل شربت‌های معجونش
(همان: ۳۴۵)

ضبط چاپ خوانساری بدین صورت است: «نقل در شب‌های معجونش» که معنای
مناسبی ندارد. تنها ضبط با معنا، ضبط چاپ لال‌ماتهر است: «هزاران جان شیرین نقل
شربت‌های معجونش».

۴. در این تصحیح ذکر ضبط‌های متفاوت ابیات از دیگر نسخ کاملاً سلیقه‌ای بوده و گاه
با پیچیدگی ابیات یا احساس نیاز مصحح یک یا دو مورد از دیگر ضبط‌ها ذکر شده‌اند.
۵. در این تصحیح در دو بیت از ابیات اشکال در قافیه و ردیف دیده می‌شود؛ برای نمونه:
- در بیت دوم غزل ۲۷۸ (بر اساس ترتیب غزلیات در چاپ خوانساری):

بی‌شمع خود گر می‌روم در کنج تنهایی شبی گه غصه خونم می‌خورد گاهی ملالم می‌کشد
(همان: ۲۸۱)

خوانساری به جای ضبط ملالم، ضبط خیالم را برگزیده است. با توجه به اینکه قافیه‌ی
مصرع دوم بیت قبل خیالم است، تکرار آن ایطای جلی است. در نسخ موجود قافیه‌ی این
بیت، ملالم است.

در بیت دوم غزل دویست و هشتاد و هفت:

ای آنکه نظر داری عمری به زلال خضر می باش که سرو من از جامه برون آید
(همان: ۲۹۸)

خوانساری به جای ضبط جامه ضبط خانه را برگزیده است. با توجه به اینکه حرف روی در این غزل حرف «م» است، انتخاب خوانساری نادرست است. در بیت سوم غزل هفتم:

نگسلم زان جعد مشکین گرچه در چنگ بلا دارم از دست غمت در رشته‌ی جان تاب‌ها
(همان: ۹)

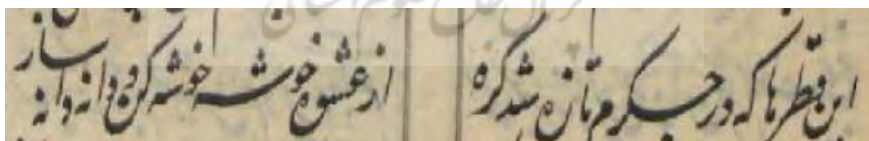
مصرع دوم بیت در تصحیح خوانساری چنین آمده است: «دارم از دست غمت در رشته‌ی جان تارها». که به دلیل اشکال در قافیه (تارها) نادرست است.

۶. گاه مصحح در تصحیح خود دچار اشتباه در خوانش شده است؛ برای نمونه:

در غزل ۳۲۵ بیت دوم می‌خوانیم:

این قطره‌ها که در جگرم تازه شد گره از عشوه خوشه خوشه کن و دانه دانه ساز
(همان: ۳۴۰)

ضبط تمام نسخ اصلی و فرعی موجود، عشوه است (و به نظر معنای مناسب‌تری از ضبط خوانساری هم دارد)؛ اما در شیوه‌ی کتابت نسخه‌ی «ت» (که اصلی‌ترین نسخه‌ی تصحیح نخست خوانساری است) چنان‌که در تصویر مشاهده می‌شود، دُم واو به‌های انتهای کلمه وصل می‌شود و بدین‌صورت، بسیار به کلمه‌ی عشق شباهت پیدا می‌کند. با توجه به این مسئله، احتمال خطا در خوانش این کلمه توسط خوانساری زیاد است.



تشابه نوشتاری «عشوه» و «عشق» در بیتی از نسخه‌ی «۵۰۹۳»

۷. در این اثر که به شیوه‌ی چاپ سربی منتشر شده است، ناهمگونی شیوه‌ی نگارش و اغلاط املائی به‌وفور یافت می‌شود و ممکن است بعضی از خطاهایی که به مصحح نسبت داده می‌شود، ناشی از خطای ناشر اثر بوده باشد؛ برای نمونه:

غزل ۳۴ / بیت ۵:

استخوانم طعمه‌ی زاغ و زغن شد در فراق آن مسیحا گو نظر کن صبر ایوب مرا
(همان: ۴۴)

تصحیح خوانساری در مصرع اول (طعمه‌ی زاغ و روغن شد) کاملاً نادرست است و معنای بیت را مخدوش می‌کند. این ضبط در هیچ کدام از پنج نسخه‌ی اصلی یافت نشد.

غزل ۸۱ / بیت ۸:

چه خاک در نظر همتش چه آب حیات کسی که شیوه‌ی رندان رهنشین دانست
(همان: ۹۲)

در چاپ خوانساری به جای تکرار ردیف در پایان مصرع دوم از کلمه‌ی «داشت» استفاده شده است که قاعدتاً اشتباه چاپی است.

غزل ۱۰۶ / بیت ۶:

خون می‌چکد ز اطلس سیمابیی سپهر بس رنگ بوالعجب که در این نیلگون خم‌ست
(همان: ۱۱۸)

در چاپ خوانساری به جای ضبط «خم» واژه‌ی «حم» نوشته شده است که احتمالاً غلط چاپی است.

۳. نتیجه‌گیری

هر سه تصحیح دیوان چاپی فغانی، با شرایط و امکانات بیش از پنج دهه‌ی پیش انجام شده است که اشکالها و نقصان‌هایی در آن‌ها دیده می‌شود. بررسی متن دیوان فغانی نشان می‌دهد که هر سه تصحیح بر اساس روش‌های علمی انجام نشده و بعضی نسخ مورد استفاده‌ی مصححان صحت، قدمت و جامعیت لازم را نداشته است. گزینش‌ها و خوانش‌های نادرست، موجود نبودن برخی غزل‌ها و ابیات، اشکال در وزن و قافیه، اغلاط املائی و خطاهای چاپی نیاز به تصحیح مجدد دیوان را با روش‌های علمی و انتقادی تبیین می‌کند. کار تصحیح مجدد دیوان از سوی نگارندگان این مقاله، به لطف خدا تا

حدود زیادی پیش رفته و امید است که پس از نهایی شدن، زمینه‌ی چاپ آن فراهم گردد تا سیمای روشن‌تر و بی‌عیب‌تری از این شاعر وقوعی پیشکش اهل تحقیق شود.

منابع

- اوحدی بلیانی، تقی‌الدین. (۱۳۸۹). *عرفات‌العاشقین و عرصات‌العارفین*. تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب؛ کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- حبیب‌آگهی، محمدحسین. (۱۳۹۷). *تصحیح انتقادی دویست غزل از غزلیات فغانی شیرازی (از غزل ۲۰۱ تا ۴۰۰)*. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد دانشگاه شیراز. خانلری، پرویز. (۱۳۶۲). *دیوان حافظ*. تهران: خوارزمی.
- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۴۸). *لغت‌نامه‌ی دهخدا*. تهران: سازمان لغت‌نامه‌ی دهخدا.
- دهلوی، لال‌ماتهر. (بی‌تا). *دیوان فغانی*. لاهور: شیخ مبارک علی تاجر.
- سام میرزا. (بی‌تا). *تذکره‌ی تحفه‌ی سامی*. تهران: کتب علمی.
- سهیلی خوانساری، احمد. (۱۳۱۶). *دیوان فغانی شیرازی*. تهران: کتابخانه‌ی علمیه‌ی اسلامی.
- _____ (۱۳۴۰). *دیوان فغانی شیرازی*. تهران: اقبال.
- _____ (۱۳۵۳). *دیوان فغانی شیرازی*. تهران: اقبال.
- شوشتری، نورالله. (۱۳۷۶). *مجالس‌المؤمنین*. تهران: کتاب‌فروشی اسلامی.
- صفا، ذبیح‌الله. (۱۳۶۶). *تاریخ ادبیات ایران*. تهران: فردوس.
- طوبایی، فاطمه. (۱۳۹۶). *تصحیح انتقادی دویست غزل از غزلیات فغانی شیرازی*. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد دانشگاه شیراز.
- نوشاهی، عارف. (۱۳۹۱). *کتاب‌شناسی آثار فارسی چاپ شده در شبه قاره*. تهران: میراث مکتوب.